

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صبغه اقلیمی یا رنگ محلی (Local Color)

در شعر چهار شاعر معاصر گیلانی

گلچین، هوشنگ ابتهاج (سی)، یمن صالحی شیون فوسلی

رحمان کاظمی

سرشناسه : کاظمی، رحمان، ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدیدآور : صیغه اقلیمی یا رنگ محلی... در شعر چهار شاعر معاصر گیلانی: گلچین، هوشنگ ابتهاج (سایه)... / رحمان کاظمی.

مشخصات نشر : رشت: بازارگان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۱۴۷ ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۳۱-۹۵-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۴۶ - ۱۴۷.

موضوع : طبیعت در ادبیات

موضوع : طبیعت - شعر

موضوع : مکالمات ادبیات

موضوع : شعر فارسی - قرن ۱۴

موضوع : شاعران ایرانی - گ. - قرن ۱۴

رده بندی کنگره : ۱۲۰۴ ۲۰۹/۷۲۰۹ Pl

رده بندی دیویی : ۸۳۶/۱۰

شماره کتابشناسی ملی : ۶۱۸۷ ۳۰



13-08-161244:49 E.U

رشت - خیابان سعدی - کوچه پورنقاشیان - بن بست سوم - ساختمان معین - تلفن: ۰۱۳-۳۳۳۴۳۶۳۴

نام کتاب:

صیغه اقلیمی یا رنگ محلی (Local Color) در شعر چهار شاعر معاصر گیلانی

گلچین، هوشنگ ابتهاج (سایه)، بهمن صالحی، شبلی فراهانی

مؤلف: رحمان کاظمی

چاپ اول: ۱۳۹۵

حروفچینی و صفحه‌آرایی: هنر و اندیشه

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۰/۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۳۱-۹۵-۷

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

جواب آمار کاظمی، پسند و دود! نہیں زمیں کسیدہ اے
دست نہ دنگند، دریا پانی پانی نامہ، الکار کار نما آغاز شد، سینی در نظر
نیتہ لیسر مع نر نما درست تروکتہ تر آب و مع تحلی ثا قابل روح و ان

زمان ہا دھد کہ آناھا مقدہ لودا، تا ثبت ہ موضوع مورد تحقیق و
سیرہ روشنی و فتنہ، کشف و تسلط بہتر بہرہ اکتید، بہر فرصت
ہا دستید، تا بہر پانی آغاز کردہ و اثر عمیق تر با تحلی بہتر

و بہر پانی اثر و نت و کشف و تسلط بہرہ اکتید، بہر فرصت
کہ ہزار اما وار دریا، تا بہر پانی آغاز کردہ و اثر عمیق تر با تحلی بہتر

آزفوت کردہ ان ہا۔ لہذا یک بابہ تا بہر پانی آغاز کردہ و اثر عمیق تر با تحلی بہتر
ہا آرم خواستید آن لاجہ کہ یک بابہ تا بہر پانی آغاز کردہ و اثر عمیق تر با تحلی بہتر
رسیدہ ہست، اللہ اعلم ان اولی تحقیق و متلہ مکتوب ہا ہست،

کامل طبعی اکبر فنی کاتبہ آدیانا رہا بہر پانی آغاز کردہ و اثر عمیق تر با تحلی بہتر
در مجملہ کارخانہ و نور آدیانا رہا بہر پانی آغاز کردہ و اثر عمیق تر با تحلی بہتر
جوان اہل نفس چون تا فیہ بین از این بابہ تا بہر پانی آغاز کردہ و اثر عمیق تر با تحلی بہتر
توجہ ملا بالا بردہ اور، فیہ بابہ تا بہر پانی آغاز کردہ و اثر عمیق تر با تحلی بہتر

فهرست مطالب

۹.....	اشاره.....
۱۱.....	پیشگفتار.....

فصل اول: گلچین گیلانی

۱۵.....	۱-۱- نگاه به زندگی.....
۱۸.....	۲-۱- جایگاه گلچین در شعر معاصر.....
۱۹.....	۳-۱- معرفی آثار گلچین.....
۲۰.....	۴-۱- زبان شعر گلچین.....
۲۱.....	۵-۱- دایره‌ی واژگان.....
۲۲.....	۶-۱- نحو در شعر گلچین گیلانی.....
۲۳.....	۷-۱- صور خیال در شعر گلچین.....
۲۴.....	۷-۱- تشخیص.....
۲۵.....	۲-۷-۱- تشبیه.....
۲۵.....	۸-۱- وصف.....
۲۶.....	۹-۱- عاطفه.....
۲۸.....	۱۰-۱- نوستالژی یا حسرت‌گرایی، غربت‌سرایی.....

فصل دوم: هوشنگ ابتهاج هـ الف. سایه

۲۹.....	۱-۲- نگاهی به زندگی.....
۳۰.....	۲-۲- زندگی ادبی سایه.....
۳۱.....	۳-۲- جایگاه سایه در ادبیات معاصر.....
۳۲.....	۴-۲- معرفی آثار سایه.....
۳۴.....	۵-۲- زبان شعر.....
۳۴.....	۱-۵-۲- دایره‌ی واژگان.....
۳۸.....	۲-۵-۲- ترکیبات.....
۳۹.....	۶-۲- صور خیال.....
۴۰.....	۱-۶-۲- تشخیص.....

۴۳	۲-۶-۲- تشبیه
۴۴	۲-۶-۳- استعاره
۴۵	۲-۶-۴- نماد
۴۶	۲-۶-۵- تمثیل
۴۷	۲-۷- عاطفه

فصل سوم: بهمن صالحی

۴۹	۳-۱- زندگی و تحصیلات
۴۹	۳-۲- رُفیع آثار
۵۲	۳-۳- زبان شعر
۵۲	۳-۳-۱- دایره‌ی واژگان
۵۳	۳-۴- صورخیال
۵۴	۳-۴-۱- تشخیص
۵۵	۳-۴-۲- تشبیه
۵۶	۳-۴-۳- تشبیه فلذ
۵۷	۳-۵- عاطفه
۵۸	۳-۵-۱- نوستالژی

فصل چهارم: شیون فومنی

۶۱	۴-۱- زندگی و شرح حال
۶۱	۴-۲- معرفی آثار
۶۳	۴-۳- زبان شعر
۶۴	۴-۴- دایره‌ی واژگان
۶۴	۴-۵- واژگان محلی گیلان
۶۵	۴-۶- واژگان کوهستانی
۶۶	۴-۷- واژگان مناطق جلگه‌ای
۶۷	۴-۸- ترکیبات کوهستانی و ییلاقی
۷۰	۴-۹- یک ویژگی منحصر به فرد اقلیمی
۷۱	۴-۱۰- صورخیال
۷۲	۴-۱۰-۱- تشخیص

۷۵	۴-۱۰-۲- استعاره.....
۷۶	۴-۱۰-۳- تمثیل: اسلوب معادله.....
۷۷	۴-۱۱- عاطفه.....
۸۱	۴-۱۲- صبغه‌ی اقلیمی در مطلع غزلها.....
۸۱	۴-۱۳- آداب و رسوم و تلمیحات.....
۸۵	نتیجه‌گیری.....

نمونه اشعار ابتج

۸۹	سراب.....
۹۱	شتاب.....
۹۴	عشق گمشده.....
۹۵	شبگیر ابتهاج.....
۹۶	آزار.....
۹۷	نمونه‌های مجموعه شکر.....
۹۸	صلح.....
۹۹	غروب.....
۱۰۰	نیلوفر.....
۱۰۱	احساس.....
۱۰۲	نمونه‌هایی از کتاب زمین.....
۱۰۲	مرجان.....
۱۰۳	نمونه‌هایی از کتاب برگ از یلدا.....
۱۰۳	سرگذشت.....
۱۰۵	سنگواره.....
۱۰۷	گریه.....
۱۰۸	از کتاب یادگار سرو.....
۱۰۸	سرخ و سفید.....

نمونه اشعار گلچین گیلانی

۱۰۹	باران.....
۱۱۴	ای جنگل.....
۱۱۵	فریب.....

- کیسه ۱۲۰
- باغ ویران ۱۲۱
- بازگشت ۱۲۲
- پیر چمن ۱۲۴
- یادگار ۱۲۵
- رباعی ۱۲۶

نمونه اشعار بهمن صالحی

- مردی از گیاه ۱۲۷
- درخت ۱۳۲
- غزلواره‌ی بهار ۱۳۳
- غزلواره‌ی دریا ۱۳۴
- غزلواره‌ی کبوتر ۱۳۵
- ابر وارغوان ۱۳۷
- هزار آینه خونین ۱۳۸
- باغ باغی ۱۳۹
- ای نخل‌های من ۱۴۰
- گول‌ها و کبوترها ۱۴۱

نمونه اشعار شیون فومنی

- شمالی ۱۴۲
- در هوایی تو ۱۴۵
- غزل جنگل ۱۴۶
- پیچکانه ۱۴۷
- شبنم پگاه ۱۴۷
- با زخم دیرساله ۱۴۸
- طرح ۱۴۹
- خورشید سرد ۱۵۰
- مراجع ۱۴۶

اشاره

رنگ محلی در شعر معاصر متعاقب شکل‌گیری جریان رمانتیسم تولد یافت. شعر معاصر ایران نیز با ابتکار نیما که خود متأثر از شعر رمانتیسم فرانسه و جریان شعر مشروطه بود که از دنیای درون و ذهنی شعر کلاسیک فاصله معناداری گرفت و به دلیل ارتباط با عامه مردم بیرون‌گرا تر شده بود، توانست سبکی را در شعر مدرن ایجاد کند که نگاه به بیرون داشت «او حتی وقتی که در خلوت و انزوای کلبه روستایی خویش به دور از غوغای مردم و شهرها می‌زیست و این خالت و ابرو را دوست می‌داشت و لازمه کار شاعری می‌شمرد، باز نگاهش به بیرون و واقعیت‌های طبیعت حیات بود» (پورنامداریان، ۱۳۷۷: ۲۴۹) نقطه مقابل کار نیما شعر کلاسیک فارسی بود. زار شاعران کلاسیک به ویژه با گسترش تصوف و سرخوردگی‌های ناشی از دنیای بیرون بسیار درونگرا شده بودند و انتزاعی می‌اندیشیدند. نقطه قوت کار نیما درونی کردن طبیعت است. طبیعت نه تنها الهام‌بخش او در محتوای شعر قرار می‌گیرد بلکه حتی ایده‌هایی برای فرم شعر به او می‌دهد. او هوسیارانه در نامه‌ای به این موضوع اشاره می‌کند: «خرداد ماه است. لب استخر ناسته به موج‌های کوتاه تماشا می‌کنم چه رنجی است که همه چیز به آدم موضوع برای شعر گفته شود. چیز نوشتن بدهد... مثل اینکه استخر حرف می‌زند موج‌های کوتاه و بلند جملات او هستند که بنامه اقتضای موقع و مقام و معنی بلند و کوتاه می‌شوند. حرفی که استخر می‌زند مرا به نام شعر گفتن خودم می‌اندازد.» (همان)

نخستین بار که به اصطلاح صیغه اقلیمی برخوردیم هنگام مطالعه کتاب صور خیال دکتر شفیعی بود که از قول جرجانی نوشته بود «چیزهایی هست که در مورد قومی گسترش و توسعه دارد ولی قومی دیگر در آن مورد در تنگنا قراردارند، چیزهایی که قومی در آن سبقت دارند به علت عادت یا آگاهی یا مشاهده یا تجربه و ممارست، از قبیل اینکه عرب دوشیزه زیبا را به پوست بیضه شتر مرغ تشبیه می‌کند، و امکان آن هست که در میان ملل

باشند اقوامی که اصلاً آن را ندیده باشند و یا تشبیه سرخی گونه به گل سرخ و سیب که بسیاری از اعراب آنها را نمی‌دانند و نمی‌شناسند یا وصف‌های صحرا و فلات که بعضی از مردمان اصلاً با صحرا روبرو نشده‌اند و یا حرکت شتر که بسیاری از مردم هرگز سوار آن نشده‌اند» «شفیعی، ۱۳۷۰: ۲۰۴» و ادامه مطالعه موضوع را در ادوار شعر فارسی دکتر شفیی یافتیم. پس از مشورت با دوست شاعر و استاد مرحوم دکتر قیصر امین‌پور، موضوع رنگ محلی را به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد انتخاب کردم که ایشان ضمن قبول مسئولیت راهنمایی رساله، انتخاب شاعران مورد بررسی همراهی‌ام کردند. دلیل انتخاب موضوع به گیلان، سی‌گردد زیرا محیط گیلان از نظر جاذبه‌های طبیعی و ظرفیت‌های فرهنگی و تاریخی، بسیار غنی است، تنوع شرایط اقلیمی، نمادها و نموده‌های رنگارنگ فرهنگی و موانع طبیعی چون رشته کوه البرز، جنگل‌های انبوه و دریای خزر، برای شاعران جاذبه فراوان داشته است. «فره‌بان و باورهای مردم در مناطق ساحلی، جلگه‌ای، کوهپایه‌ای، جنگلی، ییلاقی شهری و روستایی و... گوناگون بوده و معیشت ساکنان این مناطق به رنگ طبیعت و معرفتشان دیگر رنگ برده است. لهجه‌های متنوع، فولکلور، ابزارآلات پیشه‌وری و کت و رنگ لباس‌های متناسب با آب و هوا و طبیعت هر منطقه، معماری، موسیقی محلی و رانده‌های بومی و بسیاری از نمادهای مردم شناسی و فرهنگی دیگر معرفت مردم این نواح را، در اشکال معیشت بازتاب داده است.» (فیلنمای پژوهشی فرهنگ گیلان، ص ۱۰)

پس از دفاع از پایان‌نامه کارشناسی ارشد در شهریور ۱۳۸۰، هنگامی که برای چاپ رساله‌ام اقدام کردم، مرحوم دکتر امین‌پور، از سر لطف و شاگردنوازی، پیشنهاداتی برای بازبینی و اصلاح متن نگاشت، که با وجود وقفه‌ای که افتاد، اکثر بخشی از آن توصیه‌های استاد را عملی نموده‌ام تا در فرصتی بهتر، بررسی جامع‌تری در این خصوص صورت گیرد. افسوس که آن عزیز فرزانه نتیجه کار را، پس از اصلاح و بازنگری دید اما شایسته دیدم دست نوشته ملاطفت‌آمیز ایشان را در صفحه پایانی پایان‌نامه، که آغاز نامه است، بیاورم. متبرک باد نام او. از دوست فاضلم حسن محمدیان دانشجوی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه مازندران نیز سپاسگزارم که ویرایش این دفتر را پذیرفتند و به سرانجام نیک رساندند. و از دکتر رضا روحانی استاد زبان و ادبیات دانشگاه کاشان نیز بخاطر راهنمایی‌هایشان در ادامه کار سپاسگزارم.

همتم بدرقه‌ی راه کن ای طایر قدس

که درازست ره مقصد و من نوسفرم

پیشگفتار

هر نوع تأثیری که از رهگذر محیط زندگی، چه از نظر جغرافیایی و چه از نظر فرهنگی و اجتماعی، در شعر شاعر انعکاس یابد صبغه اقلیمی یا رنگ محلی نامیده می‌شود. صبغه اقلیمی در ادبیات ملل مختلف، بیشتر در داستان و رمان‌ها نمود و جلوه پیدا می‌کند زیرا در داستان و رمان حوادث در بستر زمان و مکان اتفاق می‌افتد. شعر اگر روایی نباشد مشکل می‌توان به جغرافیای آن پی برد ولی تصاویری که شاعر می‌آفریند می‌تواند سایه یا انعکاس تجربه‌ها و مشاهدات زیباتر محیطی او باشد تأثیر رنگ محلی فقط از طریق تصاویر بازتاب نمی‌یابد بلکه نوع نگرش شاعر به زندگی و هستی می‌تواند جغرافیای فکری او را که از طبیعت پیرامون نشأت می‌گیرد، احساس دهد.

اصطلاح «رنگ محلی» در نقد ادبی، باور ابتدا توسط غلامحسین یوسفی مطرح شد و ایشان مقاله‌ای به همین نام در کتاب «هامه‌ی اهل خراسان» دارد که در آن به تأثیر محیط طبیعی در شعر شاعران پرداخته است. دکتر یوسفی در باره تعریف «صبغه اقلیمی» از دیدگاه ادبیات فرنگی نوشته است: «در ادبیات فرنگی صبغه اقلیمی یا رنگ محلی به مفهوم وسیع‌تری به کار می‌رود. معمولاً اگر در داستانی یا نمایشنامه‌ی برای واقع‌نگاری و نمایش دقیق موضوع از جا و مکان و منظره و لهجه و آداب و سنن و لباس مردم سخن رود بطوری که این مطلب غرض اصلی نباشد، بلکه برای روشننگری موضوع بیان گردد، در این صورت داستان یا نمایشنامه دارای رنگ محلی است. به عبارت دیگر، بیان جزئیات اوصاف متمیز مکانی معین و مردمان آن جا یا مشخصات دوره‌ای خاص که در داستان یا نمایشنامه منظور باشد، رنگی است که نویسنده برای جلوه گر ساختن حقیقت از محل و زمان واقعه به نوشته خود زده است.» (یوسفی، ۱۳۷۰: ۱۵)

استاد معتقد است: «شاعران و نویسندگان برای بیان احساسات و عواطف خود و آنچه

در ذهن دارند از کلمات و تعبیرات مدد می‌جویند. در این مورد هم می‌توان گفت که تعبیرات و تشبیهات و استعارات و شیوه بیان آنها، به طور محسوسی از «محیط» متأثر است... شاید بهترین زمینه برای این بحث، اوصاف طبیعت در شعر باشد زیرا شاعر که جمال طبیعت را در شعر تجسم می‌کند لابد به سرمشق کار خود چشم می‌دوزد و صورت ذهنی خود را به یاد می‌آورد و اگر جز تمثیل و تصویر آنچه می‌بیند، اندیشه دیگری هم به خاطر او بگذرد یا به قول ارسطو و سر فلیپ سیدنی (شاعر و نویسنده انگلیسی) چاشنی از ذوق و فکر و تخیل خود را به آن اوصاف بزند و شعر او با منظره‌ای که دیده و انگیزه آن اشعار و توصیفات و تشبیهات شده است، تناسب و بستگی دارد». (همان، ۱۳)

دکتر «شفیعی کدکنی» در کتاب «ادوار شعر فارسی» به تأثیر «رنگ محلی» در شعر معاصر فارسی اشاره کرده است، و «صبغه اقلیمی» را ناشی از تجربه شخصی هر شاعر می‌داند و می‌نویسد: «در سر نیمایی، صور خیال هر شاعر از تجربه شخصی او سرچشمه می‌گیرد و از همین اصل است که می‌توان «صبغه اقلیمی» یا «رنگ محلی» را در شعر شاعران نیمایی احساس کرد یعنی سرائی که در جنوب زندگی می‌کنند، از آنجا که زندگی جنوبی دارای خصوصی است، و در اینجا تجربه‌های زندگی یک ایرانی در جنوب با یک ایرانی در شمال متفاوت است، نوع شعر و سبک آن نویسندگان هم با یکدیگر تفاوت می‌کند»^۴ (شفیعی، ۱۳۵۹: ۱۱۲)

دکتر رضا براهنی نیز در بحث «تجربه و خلاقیت» به چهار رسالت شاعر مدرن اشاره می‌کند که «صبغه محلی» در ذیل این چهار رسالت مورد انتظار شاعران مدرن قرار می‌گیرد. اینک به طور خلاصه موارد چهارگانه را مرور می‌کنیم تا زمینه‌ی بحث «صبغه اقلیمی» از نظر تاریخی روشن‌تر شود:

۱. رسالت تاریخی: شاعر باید بداند که در چه دوره‌ای از تاریخ بشر و در چه عصر از تاریخ قوم خود به سر می‌برد.

۲. رسالت جغرافیایی و مکانی شاعر: بداند که چه چیزهایی محیط زندگی او را تشکیل می‌دهد.

۳. رسالت اجتماعی شاعر: شاعر باید به صمیمیت برداشت و ادراک خود از اجتماع و محیط زندگی و موقعیت طبقاتی متکی باشد.

۴. رسالت ادبی شاعر: که شاعر باید وظیفه‌ی خود را در برابر ادبیات جهان و تاریخ ادبیات قوم خود بداند. (براهنی، ۱۳۷۱: ۶۳۶)

شاعران مورد نظر ما (گلچین گیلانی، ه. الف. سایه، بهمن صالحی و شیون فومنی) نیز به این چهار رسالت، که همان «صبغه اقلیمی» است، توجه ویژه‌ای داشته‌اند. از آنجا که نمادها و نمادها دایره واژگان و استعارات و تشبیهات و مجازهای شاعران، همه از محیط آنان سرچشم می‌گیرند، برداشت صمیمانه نیما و پیروان او، از زندگی و محیط آن در شعر به ناگزیر رنگ محلی تصاویر و تعبیر را در خود خواهد داشت. چنان که مثلاً در شعر «داروک نیما» و «باران» گلچین گیلانی می‌بینیم. این نگاه تازه، که وامدار نیما یوشیج در پی‌افکندن تئوری شعر مدرن ایران به خلق اشعار خوب او است، از سوی شاعران نوگرای پس از او مورد توجه قرار گرفت.

اقلیم گیلانی با این ویژگی‌های بارز، از آن دسته «اصحاحات» «صبغه اقلیمی» در شعر معاصر است که به صورت کلی و پراکنده بود، رواج آثار شاعران برجسته این منطقه، که در شعر معاصر ایران جایگاه ویژه‌ای دارند و هر کدام ماحر سبک و نگرشی تازه، در شعر معاصر هستند، بررسی کنم و این اولین تحقیقی است که به مطالعه شعر شاعران و یافتن ویژگی‌های بومی گیلان در شعر معاصر انجام می‌شود.

«گلچین گیلانی» شاعر معروف «باران» که اغلب دانش آموختگان با شعر «باران» او از سالهای تحصیلی در مقطع ابتدایی آشنایی دارند، از نخستین پدیده‌ی شعر نیما به شمار می‌رود. «ه. الف. سایه» نیز از نوآورترین غزل سرایان معاصر است که در حوزه شعر آزاد و غزل‌های نیمایی آثار متعدد و شایسته‌ای به یادگار گذاشته است. سایه با گسترش بینش و دانش ادبی خود، در طول سالیان توانسته است به بهترین صورت، غزل نو بسراید و شعرهای نیمایی او نیز زبانه‌ی خاص و عام است و به تعبیری «حافظ زمانه» است. اعتدال در نوآوری و در سلوک اجتماعی و فرهنگی، غزل‌های عاشقانه ناب و بدیع او رادر شعر معاصر، کم نظیر ساخته است.

«بهمن صالحی» نیز از اولین گروه جوانانی بود که به نیما و روش و منش او در شعر نو، دلبسته و پایبند شد و آثار ماندگاری در زمینه شعر نیمایی و غزل نو پدید آورده است.

«شیون فومنی» که از سرآمدان شعر محلی و فولکلور گیلان بود، بیشتر با صدای گرم خود، توانست شعرهای محلی خود را در ذهن و ضمیر گیلانیان و علاقمندان به شعر و فرهنگ بومی گیلان بنشاند. شیون به زبان فارسی نیز، چهار دفتر شعر چاپ کرده است که مثل نگینی درخشان بر انگشتر فرهنگ و اقلیم گیلان می‌درخشد. در این بررسی «شیون» اقلیم گراترین شاعر گیلان محسوب می‌شود و به راستی شعرهایش، شناسنامه‌ی گیلان است با همه جلوه‌های گوناگون و مظاهر طبیعی آن.

شیون کار ما در این تحقیق مطالعه‌ی دقیق مجموعه‌های شعری شاعران گیلانی و گزینش رنگ‌های محلی در زبان و صور خیال و اندیشه و عواطف آنان است. این شاعران با وجود اینکه همه در یک اقلیم می‌زیسته‌اند، هر کدام به فراخور درک و دانش و ذخایر لغوی، و برخورداری از مورخان ویژه‌ی خود، توانسته‌اند نگاه تازه‌ای به گیلان معطوف دارند و در تعبیر و تصاویر و تشبیهات و استعارات خود، رنگ اقلیمی را به روشنی بازتاب دهند و تصاویر تازه‌ای از طبیعت شعر و شعرای آن بیافرینند.

نگرش خاص هر کدام به طبیعت گیلان و محیط زندگی با گسترش تجربیات حسی و لغوی، ژرف‌تر و عمیق‌تر می‌شود. عشق و علاقه به زبان و فرهنگ بومی به عنوان یک ویژگی جدید و در کنار این پیش‌عام جهانی ویژگی‌های این شاعران است.

در هر فصل پس از معرفی شاعر و زندگی و بمانه‌اش، به بررسی رنگ محلی یا «صبغه اقلیمی» در زبان و صور خیال و اندیشه‌ها و عواطف او می‌پردازیم. در پایان نیز برگزیده‌ای از شعرهای آنان را که ویژگی رنگ محلی را به عنوان شاخص اصلی در خود دارند، به عنوان نمونه ارائه می‌نماییم.